

## پژوهش افکار تربیتی مردمان ایرانی و مشکلات تطبیق آن در تاجیکستان

فیض‌الله شریف‌زاده و صفر سلیمانی\*

۱. پروبلم‌های [مشکلات] تعلیم و تربیت در نظام افکار پداگوژی<sup>۱</sup> متفکران قرون وسطی
۲. تطبیق عملی افکار پداگوژی متفکران ایرانی در پداگوژی معاصر ملی
۳. میراث‌بری افکار پداگوژی به عنوان واقعیت رشد فرهنگی و تاریخی جامعه‌ی انسانی

۱. مشکلات تعلیم و تربیت در نظام افکار پداگوژی متفکران قرون وسطی  
تربیه‌ی عضو کامل جامعه و انسان کامل یکی از مهم‌ترین وظیفه‌های نظام

---

\* . دکترای علوم پداگوژی آکادمسین آکادمی تحصیلات تاجیکستان، استاد دانشگاه.

دکترای علوم پداگوژی، مدیر مرکز پژوهشگاه رشد معارف، استاد دانشگاه.

حاضرهای [کنونی] تحصیلات به شمار می‌رود. امروز در جامعه‌ی دموکراتیک ما مسئولیت شخصی انسان در نزد خود و جامعه، درجه‌ی وظیفه و وجدان معنوی او، تشکّل و کمال اخلاقی شخصیت، هرچه زیادتر اهمیت کسب می‌کنند.

هم‌زمان با تهیه‌ی طلبات معین اخلاقی، تنظیم مناسبت حیات آدمیان در شعور هر یک شخص، وارد ساختن این طلبات و تصوّرات به آن علاقه‌مند را تقاضا می‌نماید. این مسئله از جانب جامعه در روند تربیه‌ی معنوی از سال‌های خردسالی آغاز گردیده، حلّ و فصل می‌شوند.

تربیه‌ی انسان کامل در پداگوژی معاصر تاجیک بر اساس قدیم‌ترین عقیده‌های پداگوژی نیاکان ما صورت می‌گیرد و یکی از بزرگ‌ترین سرچشمه‌های [منابع و مآخذ] این پداگوژی کتاب مقدّس آریای باستان «اوستا» می‌باشد. کتاب مقدّس «اوستا» «رفتار نیک، کردار نیک و پندار نیک» را ترغیب می‌کند و با همین حکمت بزرگ خود، در سر تا سر جهان شهرت دارد.

زردشتیه در آسیای مرکزی تا زمان ما در حال گسترش بود و تا ظهور اسلام فعالیت داشت. غایه‌های [باورها و آرمان‌ها] بزرگ زردشتیه در آثاری چون «پندنامه‌ی زردشتیه»، «بند هشت» «داستان خرد» «دینکرت» «ارداویراف نامه» انعکاس یافته‌اند.

تاریخ افکار پداگوژی مردم تاجیک در پداگوژی معاصر تدقیقات مفصل علمی را تقاضا می‌نماید. پداگوژی شوروی به جنبه‌ی ملّی و تاریخی تعلیم و تربیت چندان اعتبار [اهمیت] نمی‌داد، زیرا آن پداگوژی صنف پرولتاریا بود. محض برای همین پداگوژی شوروی به غایه‌های پداگوژی گذشتگان از نکته‌ی نظر تقسیمات صنفی بها می‌داد که در نتیجه تاریخ افکار پداگوژی مردم یک‌طرفه تفسیر و تدقیق می‌شد. با توجّه به این هم اکنون ضرور است که عقیده‌های پداگوژی مردم تاجیک در دوره‌های گوناگون تاریخی عمیق و همه‌جانبه مورد تدقیق و بررسی علمی قرار گیرد.

پس از استقلال کشور عالمان نمایان کشور به میراث پداگوژی نیاگان رو آوردند و در نتیجه تدقیقات بسیار به میدان آمده‌است که در آن‌ها مسئله‌های اساسی انکشاف [رشد] عقیده‌های پداگوژی خلق تاجیک بررسی شدند. در آثار م. لطف‌الله اف «پداگوژی شفقت»، «احیای پداگوژی عجم»، قادرآوا «غایه‌های پداگوژی عبدالرحمان جامی» شریف اف «غایه‌های پداگوژی معارف‌پروران خلق تاجیک»، خ. کریم خ. جان نظراف «تشکل و انکشاف تحصیلات پداگوژی در تاجیکستان»، خ. کریم آوا «رودکی: صافی و نیکی و آدمیت»، «ابوعلی ابن سینا، انسان‌پرور بزرگ عهد سامانیان» مهم‌ترین لحظه‌های انکشاف پداگوژی تاجیک، همچنین مشکلات عمومی تعلیم و تربیت بررسی گردیده‌اند. لازم به یادآوری است، تنها سال ۲۰۰۹ «تذکره‌ی پداگوژی خلق تاجیک» از چاپ برآمد و این امکان داد که مخلصان و شیفتگان افکار پداگوژی مردم تاجیک به زبان روسی به آن میراث گران‌بهای بشر آشنا شوند. فعالیت پداگوژی نیاگان ما با ادبیات، زبان، فلسفه، اخلاق و دیگر علوم رابطه‌ی قوی داشت و بنابراین پیدایش غایه‌های علاقه‌ی بین فن‌ها، تعلیم همگرا و تفرقه در عقیده‌های پداگوژی معارف‌پروران تاجیک رودکی، ابوعلی ابن سینا، فردوسی، جلال‌الدین بلخی، عبدالله ابن مقفع، غیاث‌الدین محمد رامچوری، زین‌الدین محمد واصفی، محمد ابن یوسف خوارزمی، ابوزید بلخی و دیگران یک امر طبیعی می‌باشد.

تاریخ انکشاف افکار پداگوژی تاجیک با ترقیات علم، تعلیمات پداگوژی و نظریه‌ی تربیت در رابطه می‌باشد. عصر ۱۰ و نیمه‌ی اوّل عصر ۱۱ دوره‌ی مهم رشد علوم انسانی محسوب می‌یابد.

پس از گسترش اسلام مضمون و ساختار تربیت و تعلیم خیلی تغییر یافت. در نزد مکتب [مدرسه] وظیفه‌های کاملاً نو و تازه گذاشته شد. همزمان در مکتب‌ها و عموماً در روند تربیت و تعلیم عنعنه‌های [رسم و رسوم] پیشینه‌ی تاریخی با رنگ

و بار نظریه‌ی تربیت اسلامی ادامه می‌یافتند. در رابطه با این تأمینات پداگوژی دوره‌ی مذکور اهمیت مهم داشته، معیار و ارزش‌های اخلاقی تمدن ایران باستان و اسلام را در خود انعکاس می‌نماید.

ادبیات همیشه انعکاس‌گر زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مردم بوده است. محض [تنها] در اثرهای داستانی عاید به [در مورد] تربیت، تعلیم، فرهنگ و اخلاق فکر و عقیده‌های بسا عالی و ارزشمند افاده یافته‌اند. بزرگ‌ترین شاعران و متفکران دوره‌های گوناگون تاریخی در اثرهای بی‌زوال خود مشکلات تربیت و تعلیم نسل نو را به میان گذاشته‌اند. در «شاهنامه»ی ابوالقاسم فردوسی، که حماسه‌ی بزرگ و تاریخی مردم ایران‌زمین و هویت ملی ایرانی به شمار می‌رود، تصویر تجربه‌ی تاریخی و ارزش‌های والای اخلاقی را در بر می‌گیرد. این شاه‌اثر زمینه‌ی افکار پداگوژی، عموماً مردمان ایرانی‌نژاد، از جمله خلق تاجیک را فراهم آورده است.

## ۲. تطبیق عملی افکار پداگوژی متفکران قرون وسطی در پداگوژی معاصر

### ملی

در جامعه‌ی کنونی که به جای صناعت [فناوری] اطلاعات موقعیت [جایگاه] پیدا می‌کند، ماهیت اجتماعی تعلیم می‌فزاید. دانش، ملکه و مهارت هم برای فعالیت عملی انسان و هم برای موقع استوار پیدا کردن در جامعه ضرور می‌باشد. جامعه‌شناس آلمانی ک. منخیم تاکید می‌نماید: «تنها انسان صاحب‌معرفت عقیده‌های سالم را از ناسالم که جامعه را از انکشاف باز می‌دارند، فرق کرده می‌تواند».

تحصیلات نه تنها دانش، ملکه و مهارت انسان، بلکه صفت‌های معنوی و افضلیت‌های جهان‌بینی و اخلاقی او را نیز معین می‌نماید. ضمناً، موافقت کامل

دانش با صفت‌های شخصی انسان در روند تعلیم و تربیت سمت مهم به شمار می‌رود. روند کنونی تعلیم به خوانندگان روانه شده است، زیرا آن‌ها سوژکت [محرور و موضوع] اساسی روند تحصیلات محسوب می‌یابند. در این صورت خواننده همچون شخصیت شناخته می‌شود که قابلیت تکامل و رشد خود را دارد. مسلم است که در آینده تعلیم به ساحه‌ی [بخش] اساسی حیات اجتماعی تبدیل می‌یابد، زیرا آن بی‌واسطه با شعور و قابلیت به جوانان و نורسان کار می‌کند. تعلیم عامل مهم امنیت ملی نیز بوده و آن در عصر نو باید نوآوری و متصل باشد و از این رو، ما باید بیشتر مطالعه کنیم که با تکیه به میراث فرهنگی نسل‌های گذشته، همچون شخصیت کامل رشد نمایم.

مشکل انکشاف [رشد] و تکامل نظام ملی تحصیلات و پداگوژی تاجیکستان دموکراتیک اهمیت مهم کسب می‌نماید. در روند حل و فصل این مشکل می‌باید تجربه‌ی نظری و عملی گذشته را پرثمر استفاده بریم.

استراتژی رشد تحصیلات ملی باید غایه‌های عمومی شهری را که در میراث پداگوژی نیاکان ما درج یافته‌اند، باید دربر گیرد. زیرا آن به همگراسازی میراث معنوی خلق تاجیک با تمایل‌های دموکراسی بشری و عموماً فرهنگ جهان روانه گردیده است.

هدف رشد راهبردهای نظام تعلیم باید از احیای مقوله‌ی فلسفی و اخلاقی و معنوی، آزادی، جوانمردی که تاریخاً اقتدار فکری خلق تاجیک را فراهم آورده‌اند، عبارت باشد. تنها همین پرّه و همه‌جانبه سرشت خلق تاجیک را معین می‌کند. اینک، در دوره‌ی حاضر تعلیم باید به منفعت شخص روانه شود و در رشد هر یک فرد اهمیت داشته باشد.

از همه مهم این است که در شرایط کنونی غایه‌های پداگوژی نیاکان ما در پداگوژی معاصر ملی همه‌طرفه تطبیق می‌شود. میراث پداگوژی نیاکان احیا می‌گردد

که در این بابت آکادمیسین م. لطف‌الله اف «احیای پداگوژی عجم»، «پداگوژی شفقت»، ف. شریف‌زاده «نظریه و عملیه‌ی تعلیم همگرا در مکتب ابتدایی»، «تعلیم همگرا: اساس رشد و تربیت»، «تعلیم همگرا: پروبلم [مشکل]، جستجو، ملاحظه»، خ. کریم‌آوا «اساس‌های نظری تعلیم اومانیتستی خوانندگان مکتب‌های تاجیکی»، «فرهنگ-سرچشمه‌ی اومانیسم [انسان‌گرایی]»، «محبت نسبت به انسان» و. زبیداف «اساس‌های نظری و عملی تعلیم تفرقه در مکتب‌های جمهوری تاجیکستان»، «تعلیم تفرقه- وضعیت، پروبلم، ملاحظه»، ب. قادراف «رابطه‌های بین‌فنی [بین رشته‌ای]: آناتوسیه [نوآوری] و تفکر ایجادی خوانندگان»، پروفیسور صفر سلیمانی «پداگوژی اسلام» حصه‌ی کلان گذاشته‌اند. بر اساس دستاوردهای پداگوژی معاصر تاجیک و با نظر داشت عقیده‌های پداگوژی نیاکان برنامه ملی تربیت تهیه شده است. گذشته از این نظام کنونی تعلیم تاجیکستان عموماً به انسان‌گرایی روند تعلیم و تربیت روانه شده است که این در نوبت خود تطبیق عملی عقیده‌های انسان‌پرورانه‌ی متفکران عصرهای میانه فارس و تاجیک - رودکی، فردوسی، مولوی، ابوعلی ابن سینا، فرابی، بیرونی، ناصر خسرو و بسیار دیگران می‌باشد. مقصد اساسی روند تعلیمی و پداگوژی از آن عبارت است که خوانندگان مکتب‌ها قابلیت خودآموزی و رشد شخصیتی پیدا نمایند.

نظام معاصر ملی تعلیم و اصول پداگوژی باید به تطبیقی عملی عقیده‌های پداگوژی نیاکان که انسان‌گرایی روند تعلیم و تربیه‌ی شخصیت که آن‌ها را با هم متحد می‌سازد، روانه شود.

دوره‌ی حاضره‌ی انکشاف جامعه نسبت به تشکل صفت‌های شخصیت، تکمیل روند تعلیم و تربیت در زمینه‌ی عقیده‌های متفکران گذشته‌ی تاجیک و فارس مناسبت‌های نو را تقاضا می‌نماید.

لازم به یادآوری است که عقیده‌های پداگوژی متفکران عهد سامانیان هم

طرف‌های مثبت و هم طرف‌های منفی داشت.

متفکران بزرگ این دوره رودکی، فردوسی، مولانا جلال‌الدین بلخی، ناصر خسرو، ابوعلی ابن سینا، بیرونی، فارابی و دیگر متفکران خلق تاجیک در اثرهایشان به تأکید آورده‌اند که دانش، ارزش‌های فرهنگی و دیگر ارزش‌ها دسترس همه گردیدند، عدالت و احترام طرفین به درجه‌ی اول برآمده بود. فکر و عقیده‌ی آن‌ها جهت ساختن جامعه‌ی عدالت‌پرور عملی نمی‌گردید، زیرا مسئله‌ی به طور کلی تغییر دادن ساختار اجتماعی به میان گذاشته نمی‌شد.

پداگوژی معاصر ملی عقیده‌های پداگوژی و ارزش‌های عمومی شهری را که در تألیفات متفکران عصرهای ۱۰م. تاجیک و فارس انعکاس یافته‌اند، فرا می‌گیرد. نظام تعلیم و افکار پداگوژی تاجیکستان صاحب‌استقلال که تربیه‌ی شهروندان آینده را به ضمه گرفته است، باید همه عضو جامعه را به ارزش‌های معنوی و مادی، نظریه‌های پیش‌قدم و سرچشمه‌های [منابع] نادر، میراث ادیبان و عالمان بزرگ رودکی، فردوسی، ابوعلی ابن سینا، مولانا جلال‌الدین بلخی، بیرونی، فارابی، ناصر خسرو و دیگران جلب سازد. در پداگوژی ملی مهم‌ترین مقولات فلسفی و اخلاقی معنویت، آزادی، جوان‌مردی و غیره را که در افکار پداگوژی گذشته درج یافته‌اند، احیا نماید. این ارزش‌ها به اخلاق عمومی انسانی، رشد اجتماعی خلق تاجیک مساعدت می‌نمایند.

در دوره‌ی کنونی انکشاف جامعه تشکّل انسان کامل اهمیت خاصه کسب می‌کند. قسم ترکیبی این وظیفه‌ی مهم برنامه ریزی شده- تکمیل مضمون تحصیلات، حلّ و فصل پرثمر این مشکل به آن وابسته است که به کدام درجه هنرمندانه و خلاقانه غایه‌های پیش‌قدم نظام پداگوژی گذشته استفاده می‌شوند.

یکی از مهم‌ترین وظیفه‌ها، از ذخیره‌ی بزرگ غایه‌های اجتماعی، معیارهای معنوی و عنعنه‌های فرهنگی انتخاب نمودن چیزی است که می‌تواند و باید برای

تربیت کیفی نسل نو خدمت نماید.

تدقیق ایجادیات متفکران ابتدای عصر ۱۰م. و نیمه‌ی اول عصر ۱۱م. تاجیک و فارس، که به طور واقعی عالمان و دانشمندان جهان همچون دوره‌ی احیای شرق اعتراف کرده‌اند، بر آن شهادت می‌دهد که عقیده‌های پداگوژی آن‌ها در همان زمان بنیاد تعلیم و تربیه را تشکیل داده‌اند. میراث علمی متفکران ابتدای عصر ۱۰م. و نیمه‌ی اول عصر ۱۰م. در ساحه‌های نجوم، ریاضی، فیزیک، فلسفه، پداگوژی، تربیت، تاریخ و غیره مورد آموزش همه‌طرفه‌ی عالمان وطنی و خارجی قرار گرفته بودند.

تدقیق منتظم میراث پداگوژی متفکران ابتدای عصر ۱۰م. و نیمه‌ی اول عصر ۱۱م. تاجیک و فارس، ترجمه و شرح آثار آن‌ها به زبان‌های اروپایی از نیمه‌ی دوم عصر گذشته آغاز می‌یابد. در سر تا سر جهان اعتراف شدن تدقیقات آن‌ها بر آن شهادت می‌دهد که متفکران تاجیک و فارس در رشد علم و فرهنگ عمومی شهری حصه‌ی بغایت کلان گذاشته‌اند. نام آن‌ها در ردیف عالمان برجسته پتالمی، لئوناردو داوینچی، کوپرنیک، گیاتی، شکسپیر، لاماناساو و دیگران می‌ایستد.

حالا به مقدار زیاد کتاب‌ها، مقاله‌های علمی و تنقیدی، تدقیقات خاصه تألیف یافته‌اند که مؤلفان آن‌ها حصه‌ی [سهم] متفکران عصر میانگی [میانی] تاجیک و فارس را در ساحه‌های گوناگون علم طبیعت‌شناسی بررسی می‌کنند.

آموزش میراث پداگوژی متفکران ابتدای عصر ۱۰م. و نیمه‌ی اول عصر ۱۱م. تاجیک و فارس نشان داد که حلّ و فصل همه‌جانبه‌ی آن‌ها تنها در صورت روشن ساختن دوره‌ی زندگی و فعالیت آن‌ها که خصوصیت و ضدیت‌های آن در جهان‌بینی و تفکر علمی متفکران انعکاس گردیده است، امکان دارد.

ابتدای عصر ۱۰م. و اول عصر ۱۱م. دوره‌ی برخوردهای تیز و تند اجتماعی و جنگ‌های داخلی می‌باشد. دانشمندان بزرگ نه تنها شاهد، بلکه اشتراک‌داران فعال



مهم‌ترین واقعه‌های تاریخی و سیاسی بودند. واقعه‌های پرشدت سیاسی سدّ راه موفقیت‌ها علم و فرهنگ شده نتوانستند.

در اکثر اثرهای آن زمان در مورد مسئله‌های فلسفه، جامعه‌شناسی، پداگوژی، روان‌شناسی و دیگر فن‌ها عقیده‌های جالب بیان شده است. ملاحظه‌های متفکران تاجیک و فارس در باره‌ی معرفت و تفکر، سخن، نطق، احساس، خرد، ادراک، از بر کردن و در خاطر نگاه داشتن ماهیت کلان علمی دارند.

در اثرهای متفکران ابتدایی عصر ۱۰م. و نیمه‌ی اول عصر ۱۱م. تاجیک و فارس در مورد تعلیم و تربیت عقیده‌های مهم افاده یافته‌اند. آثار فلسفی، ادبی و علمی آن‌ها نه تنها به شرق عصر میانگی، بلکه به بسیار کشورهای اروپا نیز تأثیر رسانده‌اند.

### ۳. میراث بر افکار پداگوژی به عنوان واقعیت رشد فرهنگی و تاریخی

#### جامعه‌ی انسانی

انسانیت به آموزش میراث علمی دوره‌های گذشته‌ی تاریخی همیشه اهمیت اولیه داده است. همین‌که آرمان و راهکارهای تازه به میان آمدند، آن‌ها و مؤلفان آن‌ها مورد توجه عمیق و تدقیقات مفصل قرار گرفتند. آموزش افکار پداگوژی در دوره‌ی دگرگونی‌های قطعی انکشاف [رشد] جامعه که با تکیه به عنعنه‌های ملی و میراث غایه‌ای و معنوی نسل‌های گذشته راه درست رشد جامعه را پیش گرفتند لازم می‌آید، اهمیت مهم کسب کند. ماهیت میراث‌بری در روند تاریخ، همچون قانونیت واقعی رشد فرهنگی و تاریخی جامعه‌ی انسانی که به شرافت آن رشد و توسعه‌ی معنوی همچون رابطه‌ی بین دوره‌ای و مراحل آن ظهور می‌کند، تنها در همین افاده می‌یابد. یکی از مهم‌ترین راه‌های انتقال تجربه‌ی تاریخی رو آوردن به میراث معنوی تاریخ انکشاف عقیده‌های پداگوژی می‌باشد که در آن‌ها تجربه‌ی

بزرگ نسل‌های زیاد متفکران و محققان مشکلات تعلیم و تربیت جمع آمده است. این تجربه نه تنها به گذشته تعلق دارد، بلکه با طرز و وسیله‌های مختلف به جهان معاصر وارد شده به روندهای اجتماعی، تحوّل نظریه و کاربرد پداگوژی تأثیر می‌رساند.

تاریخ افکار پداگوژی عصر میانگی [میانی] شرق مسلمانان [اسلامی]، از جمله، شاخه‌ی تاجیکی و فارسی آن چنین تجربه‌ی غنی را دارا می‌باشد و آموزش و استفاده آن در تاجیکستان کنونی، که مشکل تحوّل جامعه بر اساس میراث معنوی و عنعنات ملی و فرهنگی امروز تیز و تند به میان آمده است، اهمیت بغایت مهم را کسب می‌کند. ا.ملشینکا، از جمله می‌نویسد: «هرخلقی حق دارد آن راه انکشافی را انتخاب کند که به میراث تاریخی او جواب دهد، به عنعنه و فرهنگ او موافقت کند» (۲۳، ص. ۱۹۸).

خلق تاجیک، که میراث غنی آرمانی و فرهنگی دارد، از این حقوق استفاده برده می‌تواند. این عمل مخصوصاً امروز ضرور است، زیرا از بین رفتن دولت شوروی و تشکیل‌یابی [تأسیس] دولت مستقل تاجیک باز هم بیشتر آموزش میراث معنوی را تقاضا نمود که بی‌شبهه به انتخاب راه مستقل تجدید و تکمیل حیات اجتماعی و انکشاف با سرعت آن مساعدت خواهد کرد.

باید گفت که همین وظیفه ده قرن پیش در نزد نیاکان خلق تاجیک - سامانیان - پایه‌گذاران دولت تاجیکان نیز می‌ایستاد. در این ارتباط بارتلس چنین اشاره می‌کند: «در مقابل طاهریان، سامانیان می‌دانستند که بدون احیای عنعنه‌های فرهنگی استقلال واقعی دولت آن‌ها را تأمین کردن ممکن نمی‌باشد» (۹، ص. ۳۴۲).

اگر میراث پیش از اسلام در عصر ۱۰م. اهمیت داشت، حالا عیناً چنین است، ولی با نظر داشت عنعنه‌های فرهنگی دوره‌های بعدی تاریخی، آن توجه دولت معاصر تاجیک را به خود جلب می‌نماید.

اما تأکید باید کرد که میراث معنوی تاجیک، تجربه‌ی فکری و نظری نسل‌های گذشته صاف ملی و تنها برای تاجیکان ضرور و منفعت‌بخش نیست. برعکس، ارزش‌های ملی که مهم‌ترین عامل رشد جامعه است، تنها با خصوصیت ملی، ایتنوگرافی [مردم‌شناسی]، ایکزاتیکی [خارجی] محدود نشده، به ضم خصوصیت ملی باز جهت‌های عمومی را نیز در بر می‌گیرد و فقط همین ملت‌ها را متحد می‌سازد، میراث کلاسیکی تاجیکی‌هاست که از دیر باز دسترس خلق‌های زیاد جهان بوده، از جمله رودکی، فردوسی، ابوعلی ابن سینا، جلال‌الدین بلخی، عمر خیام، حافظ و دیگران را تمام اروپا می‌شناسد و اثرهای نثری عصرهای میانه که به بیشتر زبان‌ها ترجمه شده‌اند، به شاه‌اثرهای ادبیات جهان تبدیل یافته‌اند، به گفتگوی تمدن‌ها و غنی‌گردیدن فرهنگ‌ها مساعدت می‌کند. به این معنی از خود نمودن میراث پداگوژی هر ملتی به جمع‌بست [نتیجه‌گیری] تجربه‌ی مثبت آن‌ها مدد می‌رساند که این عامل نشو و نمای تمدن معاصر خواهد بود.

دلیل واضح تمایل شناخت میراث پداگوژی خلق تاجیک آن است که تطبیق همه‌طرفه‌ی تجربه‌ی عنعنات گذشته به ترقیات نه تنها تاجیکان، بلکه همه‌ی ملت و خلق‌های ساکن تاجیکستان مساعدت می‌نماید.

هنگام سخن گفتن از ماهیت آموزش میراث پداگوژی گذشته به یک نکته توجه باید کرد. آن به موقع و اهمیت اسلام در شرق عصر میانگی وابسته است که یک قسم فرهنگ معنوی ممالک مسلمانی بوده، به همه ساحه‌های حیات انسان، از جمله به فلسفه، سیاست، پداگوژی، حقوق، اخلاق وارد گردیده است. با این صفت خود دین در شرق عصرمیانگی مسلمانی یک قسمت ترکیب میراث معنوی محسوب می‌یابد. از این رو، به اعتبار گرفتن عنعنات دینی، رو آوردن به ویژگی‌های و خصوصیت‌های ملی، همه‌جانبه آموختن آن میراث برای تدقیقات ما اهمیت مهم دارد. مسئله این جاست که اشعار شعرای شرق، من جمله، رودکی،

فردوسی، مولوی، عمر، خیام حافظ شیرازی، خسرو دهلوی و بسیار دیگران ظهورات بی‌واسطه‌ی انسان‌گرایی و آزاداندیشی در شرق مسلمانی به شمار می‌رود. بنابر آن، همچنین با ملاحظه‌های ایدئولوژی در زمان شوروی آثار آن‌ها مورد آموزش محققان قرار گرفت.

در زمان استقلال کشور توجه بهتر و بیشتر به آن ظاهر گشت که می‌توان از جشن پرافتخار نابغه‌ی ملت تاجیک؛ مولانا جلال‌الدین بلخی، که به نزدیکی در تاجیکستان و کل جهان جشن گرفته شد، یادآور گردید که در آن مولوی به عنوان یک متفکر انسان‌گرا و عمومی شهری معرفی گردید.

اما مکتب پداگوژی شرق تا هنوز به طور کافی آموخته نشده است و جنبه‌های پداگوژی آن عموماً دقیق نگردیده‌اند. آثار منشور اثرهای میانه که تنها در ده‌ساله‌ی آخر دسترس خوانندگان گردیده‌اند را نمی‌توان سبب و عامل اصلی شمارید، بلکه علم پداگوژی، متفکران و نثرنویسان شرق مسلمانی را به جریان فئودالی و اریستوکراسی [اشرافیت] افکار پداگوژی نسبت می‌دادند.

اما تحلیل واقعی نثر عصرهای میانه نشان می‌دهد که نمایندگان آن، نظریه‌ی اشرافیانه‌ی اداره‌ی دولت را نگاه داشته باشند هم، منفعتهای طبقه‌های پایانی جامعه و تأمین نیکوحوالی همگان را درخواست می‌کردند: آن‌ها اصول فرمان‌فرمایی را جانبداری نموده، عین زمان از شاه طلب می‌نمودند که نسبت به مردم مشفق و مهربان باشند؛ شکل موناشرسی [شاهی] را درست پنداشته، به اداره‌ی دنیوی ارج می‌گذاشتند.

متفکران عصرمیانگی شرق مسلمانی در رشد افکار پداگوژی فارس و تاجیک و هم جهان سهم نمایان گذاشتند. قطع نظر از آن که آن‌ها زیر تأثیر پرنسبیه‌ی تئولوژی افکار پداگوژی خود را بیان ساخته‌اند، با وجود این یک عدّه عقیده‌های مترقی به میان گذاشته‌اند که تا امروز اهمیت آن را گم نکرده‌اند. ماهیت عقیده‌های

پداگوژی آن‌ها را اومانیسیم و انصاف و عدالت را تشکیل می‌دهد. در رابطه با این عقیده‌های اساسی آن‌ها شکل گرفته‌اند:

- انسان‌گرایی، عدالت، جوان‌مردی، علم، زیبایی سلامتی؛
- وطن‌پروری، عقل، علم، محبت، امید به آینده، اومانیسیم عدالت، صلح‌دوستی؛
- زیبایی، عدالت، اخلاق، حقیقت، ارزش انسان، تربیت؛
- آموزش بر اساس وحدت جهانی، به حساب گرفتن میل و خواهش به تعلیم، علم در حیات انسان و جامعه، اومانیسیم، عدالت، انسان و کاینات، موقعیت انسان در زمین؛
- شعورناکی [شعورمند]، واضحی، نظام و پی در پی‌ای، اساس‌ناکی [استناد] علمی تعلیم، رابطه‌ی نظریه با رفتار، تقاضا به کتاب درسی.
- انسان و سلامتی او، عایله، موقع عایله و مکتب در تربیت و تعلیم، آمادسازی به حیات جمعیتی [اجتماعی]، انتخاب کسب یا رشته، به حساب گرفتن امکانیت‌های عقلی و روانی بچه‌ها در تعلیم و تربیت؛
- نظریه‌ی کمالات انسان، تربیه‌ی جسمانی و اخلاقی و به اعتبار گرفتن خصوصیت‌های روانی، از بین بردن صفت‌های بد؛
- تشکّل شخصیت، تعلیمات اخلاقی، برابری، عدالت.

آموزش این غایه‌ها و تعلیمات پداگوژی متفکران تاجیک و فارس اهمیت کلان دارد، زیرا عامل مهمّ روند نظری و معرفتی در ساحه‌ی پداگوژی می‌باشند. از یک طرف، خواننده‌ی امروزه را با سطح دانش‌های پداگوژی در عصرهای میانه شناس می‌نماید، از طرف دیگر نقش افکار پداگوژی را در انکشاف علم پداگوژی نشان می‌دهد. این تعلیمات پداگوژی برای تربیه‌ی غایه‌ای دانشجویان و آمادسازی کسبی آموزگاران اهمیت کلان دارد، زیرا آن‌ها را در روح احترام به ارزش‌های اخلاقی

دوره‌های گذشته تربیه می‌کند، نسل نو را به عنعنات انسانگرایی آشنا می‌سازد. این در جامعه‌ی امروزه‌ی تاجیک، که در این روزها حادثات ناخوش را از سر گذرانید و این به شعور و روان ساکنان جمهوری، از جمله به جوانان و دانشجویان تأثیر منفی رسانید، بغایت مهم می‌باشد. به این معنی، عقیده‌های متفکران عصرهای میانه تاجیک و فارس در باره‌ی انصاف و عدالت، صلح و صلاح، زیبایی، حقیقت، قدر انسان و غیره اهمیت کلان تربیه‌ای داشته، وسیله‌ی احیای صفات به خلق تاجیک خاص محسوب می‌بایند. این ارزش‌های اخلاقی تنها در دایره‌ی تاجیکستان محدود نمی‌ماند، زیرا نزاع‌های ملی، جنگ‌های شهروندی برادرگشی، متأسفانه در آخر عصر ۲۰ میلادی حادثه‌ی عمومی گردیده‌اند. تجربه‌ی حزن‌انگیز تاجیکستان، یگسلاوی، افغانستان، قفقاز ضرورت آموزش میراث پیش‌قدم اخلاقی همه خلق‌ها را که بدون جنگ و نزاع‌ها رشد یافتن دولت‌ها را تأمین خواهد کرد، پیش می‌گذارد.

به علاوه جنگ و نزاع‌های ملی، باز به انسانیت بحران جهانی محیط زیست، نو به نو پیدا شدن مناطق فلاکت‌های محیط زیست، که سبب بیماری‌ها و پست رفتن سطح زندگی مردم می‌گردند، هم‌زمان افزایش و خصوصیت عمومی جهانی گرفتن جنایت به آن علاوه شده است. فعالیت سازمان‌های بین‌المللی تروریستی تهدید می‌نماید. این گونه واقعات دهشت‌انگیز تقاضا می‌کنند که همه خلق‌های جهان با یکدیگر متحد و یک‌دل و یک‌مرام باشند و زندگی را به یک مجرای درست روانه سازند و یکی از راه‌های نزدیک‌شوی خلق‌ها، آموزش و از خود نمودن میراث اخلاقی انسانیت است. تنها همین خلق‌های عالم را با هم دوست و دوست و برادر می‌گرداند، زیرا میراث اخلاقی گذشته، جزئیات فرهنگ بسیار خلق‌ها را در بر گرفته، برای تحوّل بعدی افکار جمعیتی زمینه فراهم می‌آرد. تصادفی نیست که عقیده‌های ارسطو از جانب فیلسوفان و متفکران عصرهای میانه شرق دستگیری

دیدند و سپس توسط آثار آن‌ها باز در اروپا گسترش یافتند. چنین خصوصیت برای عقیده‌های پداگوژی متفکران عصرهای میانه تاجیک و فارس، که در زمینه‌ی عنعنات زردشتی، ایران قدیم، یونان قدیم تشکّل یافته است، نیز مخصوص می‌باشد. از دیگر طرف، آن مبنای آرمانی رشد بعدی افکار پداگوژی آخر عصرهای میانه را تشکیل نموده، در نوبت خود به وسیله‌ی ایجادیات جامی، سعدی و دیگران تجربه‌ی غنی به میراث گرفته‌اش را به مردمان و مناطق دیگر انتقال داد. به این معنی آموختن تعلیمات پداگوژی متفکران عهد قدیم عصرهای میانه ضرور بوده، به قرابت خلق‌های گوناگون، تقویت دوستی آن‌ها از هر جهت مدد خواهد رساند.

آموزش میراث پداگوژی در جهان امروزه فقط به خاطر ماهیت عمومی شهری داشتن آن صورت می‌گیرد. طرز زیست و خصوصیت حیات آدمیان خود ماهیت عمومی انسانی میراث ملی را معین می‌کند. ا. گردیر به این مناسبت می‌نویسد: «در روی زمین نه چهار یا پنج خلق وجود دارد، نه نوع‌های با هم مخالف. تفاوت رنگ پوست از یک کس به کس دیگر می‌گذرد؛ شکل‌ها از روی پیدایش آن‌ها فرق می‌کنند؛ عموماً این همه تنها نکته‌های یک منظره‌ی کلان و عمومی است که در وقت و فضای زمین دامن گسترده است» (۱۱، ص. ۲۳).

در دوره‌ی حاضره‌ی رشد جامعه ضرورت از نو درک نمودن ارزش‌های عمومی انسانی به وجود آمده است. در این مورد از قالب‌های تفکر کهنه دست باید کشید. اگر در شرایط حکمرانی ایدئولوژی مارکسیسم و لنینیسم ایجادیات این یا آن متفکر، به سبب به پرنسیبهای تئولوژی میل داشتن آن، ارتجاعی اعلان می‌شد، پس در شرایط آزادی سخن سیاسی و ایدئولوژی، عقیده‌های همه گونه متفکران قطع نظر از اعتقاد و نژادشان، قابل آموزش و تدقیقات هستند. به این معنی، آموزش میراث پداگوژی متفکران عصرهای میانه تاجیک و فارس، که طبق قانون‌های اسلام عمل می‌کردند، موافق مطلب می‌باشد.

آموزش فکر و عقیده‌های متفکران گذشته امکان می‌دهد که ما تجربه‌ی اخلاقی پیشینیان را از هر گونه تمایلات منفی حمایه‌نماییم. هر قدر که دست‌اوردهای اخلاقی نسل‌های گذشته عمیق‌تر آموخته شود، بهتر و خوب‌تر آن برای نسل‌های آینده حفظ می‌گردد.

تاریخ تعلیم و تربیه‌ی عصرهای میانه در تاریخ تمدن جایی مخصوص را اشغال می‌نماید. در این دوره نسبت به دوره‌ی باستان روند جدید تعلیم و تربیت انکشاف یافت. هرچند موجودیت تربیه و تعلیم عصرهای میانه در مناطق گوناگون جهان از نظر زمانی موافقت نمی‌کرد، ولی در باره‌ی آن علامت‌های عمومی خاص می‌باشد.

تربیت در جامعه‌ی عصر میانگی از روی طبقه صورت می‌گرفت، تعلیم خصوصیت تذکری داشت. در عین زمان در آن تمایل خودتطبیق‌نمایی، از معیارهای سخت اجتماعی و فرهنگ آزاد نمودن انسان تولید شده بود. اما، عموماً تربیه و تعلیم خصوصیت طبقه‌ای داشت و انسان را برای فعالیت در محیط معین آماده می‌ساختند. این امر را از بین بردن خیلی دشوار بود. مکتب و تربیه در عصرهای میانه با دوره‌ی عتیقه‌علاقه‌مند باشد هم [با وجود پیوند با دوران باستان]، بر خلاف عنعنات پداگوژی تمدن عهد قدیم، انکشاف می‌یافت.

در بین بسیار مشکلاتی [مشکلات بسیاری] که نظام تحصیلات معاصر باید حل نماید، مشکل تشکل [شکل‌گیری] شخصیت مهم‌تر می‌باشد. تا به آدمیان همدیگرفهمی، احترام فرهنگ دیگر خلق‌ها، افتخار از [به] عنعنات [آداب و رسوم] ملی را نیاموزیم، دولت دموکراتیک ساختن، زندگی ارزنده‌ی شهروندان آن را تأمین نمودن غیر ممکن خواهد بود.

امروز نسبت به نظام ملی تحصیلات مناسب ضرور است. این مناسبیت باید بر عقیده‌ی پداگوژی نیاکان اساس یابد. در رابطه با این به تولید غایه‌های رابطه‌ی



بین‌فنی، تعلیم همگرایی و تفرقه که در آثار پداگوژی متفکران رودکی، فردوسی، ناصر خسرو، مولانا، ابوعلی ابن سینا و دیگران انعکاس یافته‌اند، دقت مخصوص باید داد.

حالا به تدقیق این مشکل عالمان ذیل مشغولند:

- رابطه‌ی بین‌فنی، ب. قادراف.
- تعلیم همگرایی، ف. شریف‌اف.
- تعلیم تفرقه، زبید اف

تطبیق عملی تکنولوژی جدید تعلیم و تربیه، تغییر مناسبت‌های طرفین آموزگاران و خوانندگان تغییر محیط تعلیم، تأمین فضای روانی، انتخاب و عمل آزاد عامل موفقیت روند تحصیلات به شمار می‌رود.

غایه‌های دموکراتی عالمان و شاعران مشهور شکلاً و مضموناً با غایه‌های حکمت خلق پیوند بوده، به تشکّل فرهنگ پداگوژی خلق‌های آسیای مرکزی تأثیر رسانده‌اند و ماهیت خود را تا روزهای ما نگاه داشته‌اند. میراث بزرگ پداگوژی عالمان و متفکران شرق قدیم، آسیا به عنعنات تربیت نسل جدید آدمیان، که در این مناطق زندگی می‌کنند، اساس گذاشته است. بنیاد این عنعنات، اصول آن‌ها، ماهیت اسناد تاریخی و معیاری را که به تربیت و تعلیم بخشیده شده‌اند، تشکیل می‌دهند. تمام نظام تحصیلات ممالک شرق، که در سندهای معیاری و حقوقی تجسم یافته است، بر اساس عقیده‌های دیدکنتیکی [اصول تعلیم] گذشتگان تهیه می‌شود.

پی نوشت (منابع):

1. Антология педагогической мысли таджикского народа/Сост.М.Лутфуллоев, С.Сулаймони, Х.Афзалов.-Душанбе: Матбуот, 2009.- 448 с.
2. Арипов М. (Орифи). Из истории педагогической мысли таджикского народа. (1X-XI в.в.).-Душанбе: Ирфон, 1962.- Часть 1. -180 с.
3. Арипов М. (Орифи). Из истории педагогической мысли таджикского народа.- Душанбе:Ирфон, 1965.- Часть 11.-190 с.
4. Арипов М.А. Первые оригинальные педагогические книги на таджикском языке в XI веке// Доклады АПН РСФСР.- 1961.-№6. -С. 121-129.
5. Арипов М.А. Рудаки-основоположник педагогической мысли таджикского народа// Доклады АПН РСФСР.-1962.- №5. -С.152-163.
6. Атахонов Т. Лутфуллоев М. Шарифов Ф. Очеркҳои афкори педагогӣ: воситаи таълим.- Душанбе, 2005.-224 с.
7. Бартольд В.В. История культурной жизни Туркестана //В.В.Бартольд. Сочинения. -М: ИВЛ, 1963. -Часть II.-С.169-392.
8. Бертельс Е.Э. История литературы и культуры Ирана// Избранные труды.-М.: Наука, 1988.- С.341-357.

9. Бертельс Е.Э. История персидско-таджикской литературы.-М.: ИВЛ 1960.-555 с.

۱۰. غفوراف ب.غ. تاجیکان: تاریخ قدیم ترین، قدیم، عصر میانه و دورهی نو. دوشنبه: عرفان، ۱۹۹۸.-در ۲ کتاب.

11. Гердер И.Г. Избр. Соч. – М. 1959.-С.231.

12. Ислам: Энциклопедический словарь.-М.: Наука, 1991.-312 с.

13. Каримова И.Х. Теоретические основы гуманизации гуманитарного образования учащихся таджикских школ: автореф, дисс. докт. Пед.наук.- Душанбе, 2000.

14. Каримова М.К. Педагогическая деятельность и идеи Садриддина Айни.-Ходжент: изд. Р.Джалила, 1995.-54 с.

15. Кирабаева Н.С. Социальная философия мусульманского Востока: эпоха средневековья. М., 1981.

16. Кодиров К. История педагогической мысли таджикского народа. Душанбе, 1989.

17. Кодиров К. Педагогика и дидактика суфизма, Душанбе, 2000.

18. Концепция мактаби миллии Тоҷикистон.- Душанбе, 1995.

19. Крымский А.Е. История Персии, ее литературы и дервишский теософии / Новое издание,

переработанное совместно С.К.Фрейдманом.-М., 1909.-196 с.

۲۰. قانون جمهوری تاجیکستان «در باره‌ی معارف». دوشنبه، ۱۹۹۹.

۲۱. لطف الله اف م. پداگوژی شفقت. دوشنبه، ۱۹۹۴.

۲۲. لطف الله اف م. احیای پداگوژی عجم. دوشنبه: دانش. ۱۹۹۷

23. Малашенко А.В. В поисках альтернативы (арабские концепции путей развития).-М., 1991.-С.198.

24. Мец А. Мусульманский Ренессанс. М.: Наука, 1966, 460 с.

25. Мирбобоев А.К. Из истории учебных заведений эпохи Абуали ибн Сино // Абуали ибн Сино и его эпоха. -Душанбе: Дониш, 1980.

26. Обидов И. Краткий очерк истории образования таджикского народа. -Душанбе, 1965.

27. Орифи М. Некоторые педагогические идеи А.Дониша // Советская школа.- 1953.- №1.

28. Орифи М. Некоторые педагогические идеи Абдурахмона Джами // Советская школа.-1964.-№12.

29. Орифи М. Некоторые педагогические идеи Ахмада Дониша: в помощь учителям заочного обучения.-Сталинабад: Таджикгосиздат, 1949.

30. Орифи М. Некоторые педагогические идеи Садриддина Айни // В помощь учителям заочного обучения.-Сталинабад: Таджикгосиздат, 1949.

31. Поэзия современников Рудаки.-Сталинабад: Таджикгосиздат.-1958.-407 с.

32. Поэты эпохи Саманидов.-Душанбе: Адиб, 1999.-142 с.
33. پنج صد حدیث. دوشنبه: فرهنگ، ۱۹۹۶.
34. Рази Абубакр. Духовная медицина.-Душанбе: Ирфон, 1990.-88 с.
35. Рази Абубакр Мухаммад ибн Закариё. Избранные сочинения.-Душанбе: Адиб, 1989.-157 с.
36. Ризода Шафак. История литературы Ирана.-Тегеран, 1369.-423 с.
37. Содиков А. Нравственные идеи восточных мыслителей.-Душанбе: Ирфон, 1989.
38. Султонов У. Философские, социальные и нравственные идеи Ибн Сино.-Душанбе, 1979.
39. تورسونова. احیای عجم. دوشنبه، ۱۹۸۴.
40. Фараби Абунаسر. Социально-политические трактаты.-Алма-Ата, 1973.
41. Эмомали Рахмон. Независимость Таджикистана и возрождение нации. Душанбе, 2002.

---

<sup>1</sup>. پداگوژی از یونانی پدس ، کودک و آگوژ رهبری. علم تعلیم و تربیت اطفال . دانش آموزش و پرورش نوجوانان که شامل تعلیم و تربیت اخلاقی ، علمی و بدنی آنان میشود. [دانش آموزش و پرورش نوجوانان].